گزارش خبری

درمان پردرد سوختگی در ایران

سوختگی، چه حادثه‌ای پیش‌بینی‌نشده باشد و چه از روی عمد و از سر استیصال و فشارهای روانی به خودسوزی ختم شود، تبعات روحـی و فشـار زیادی را بـه افراد تحمیـل می‌کند. مشـکلات فردی و اجتماعـی پسـس از آن، بسـیاری از بیماران سـوختگی را تـا مدت‌ها با چالش‌های فراوان و روزافزونی همراه می‌کند. در ارتباط با این چالش‌ها، گفت‌وگویـی با منصـوره یزدانی، روان‌شـناس و فعـال اجتماعی انجام دادیم که محورهای این گفت‌وگو در هر باراگراف تنظیم شده است.

● متاسفانه بخشـی از این مشـکلات به طبقه اقتصادی افراد درگیر سـوختگی برمی‌گردد. اگر فردی که دچار سـوختگی شده است، از طبقه اقتصادی-اجتماعی متوسط باشد، امکان درمان بیشتری داشته و می‌تواند پیگیری‌هـای درمانی قوی‌تری را اعمال کند؛ اما بسـیاری از قربانیانی که مشـاهده می‌شـوند، از طبقات اقتصادی پایین‌تر بوده و توان مالی کمی دارنـد و طبیعتا بیشـتر از دیگران به انجمن‌هـا و خیریه‌ها برای دریافت کمک مراجعـه می‌کنند. برای افرادی که در طبقه بالاتر هسـتند، امکان انجـام لیزر یا جراحی‌های گران‌قیمت فراهم می‌شـود و حتی مشـاهده می‌شـود که با داشتن توان سفر به کشـورهای دیگر، کار درمان خود را از این طریق دنبال کنند.

● افراد درگیر سوختگی اگر در سنین بالاتری بوده و شغل یا تخصصی دارند، مثلا فردی که در زمان انجام کار دچار سـوختگی نه‌چندان وسیع و یک حادثه می‌شـود، می‌تواند همچنان شـغل خـود را ادامه دهد، اما متاسفانه بسـیاری از افراد پس از سـوختگی نه امکان ادامه کار و امرار معاش دارند و اگر هم از طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین باشند، تخصص و مهـارت کافی ندارند و در پیدا کردن شـغل با مشـکلات زیادی روبه‌رو هستند.

● در بسیاری از حوادث سـوختگی، ایمن‌نبودن محل زندگی یا محل کار و اکاهی نداشتن یا کم‌سوادی ساکنان خانه برای مراقبت‌های شخصی نیز در وقوع حادثه تاثیرگذار بوده اسـت. برای نمونه مادری که مراقب کـودک خود در گهواره نبوده و این گهـواره با جرخش کنار بخاری، آتش گرفته و کودک نیز دچار سوختگی شده است. برخی از افرادی که به دلیل ایمن‌نبودن محل کار یا زندگی خود درگیر حوادث سـوختگی می‌شـوند، کبنـه زیـادی از دنیا دارند که جرابا بد به دلیل فقرا یا شـرایط معیشـتی سخت، خانه‌ای برای زندگی و داشتن امنیت مناسب نباشد.

● بسیاری از افرادی که دلیل آنکه آثار سوختگی در بدن و ظاهرشان مشـخص اسـت، اعتماد‌به‌نفس کافـی ندارند؛ چراکـه هویت ظاهری خودشان را ازدسـت‌رفته می‌دانند. وقتی آشنایی با افراد و برقراری ارتباط از طریق ارتباط چتشـی و مستقیم صورت می‌گیرد، زمان بدن افراد درگیر سـوختگی و ارتباطات چتشـی آنها تحت تاثیر قرار گرفته و خودشـان را بـرای برقراری ارتبـاط مؤثر ناتوان می‌بینند. فرض کنیم آنها از شـغل یا تحصیلات کافی برای به‌دسـت‌آوردن شـغل برخوردار باشند، ولی به دلیل خدشـه‌دارشـدن ظاهرشان، اعتماد‌به‌نفس کافی ندارند و خودشان را کوچک‌تر می‌کنند. بسیاری از بیماران سوختگی از توانمندی‌های خود در زمینه‌های دیگر غافل بوده و در رشد مهارت‌ها یا استعدادهای خود دچار کاستی هستند. در موارد زیادی هم جامعه را در این حادثه مقصر دانسته و در مواردی هم سـعی دارند از طریق باج‌دادن به دیگران، حقوق خود را به دست آورند.

● افرادی که با اعمال خودسـوزی درگیر چالش‌های زیادی شـده‌اند نیز مشکلات خیلی جدی‌تری دارند. برخی از آنها بر اساس سنت‌های محلی پیشـینیان خود، برای حل مسـئله اقدام کرده یعنی خودشـان را می‌سـوزانند. این یک اقدام خودسـوزی بوده که گویا نسـل به نسـل نیز در یک سـنت یا منطقه ها افتاده اسـت. این معضـل همچنان در ایران رخ می‌دهد و نیازمند کار فرهنگی و آموزشی دقیق اسـت. لازم اسـت کودکان از ابتدای شـروع دوران مدرسـه و یادگیری، با مهارت‌های حل مسـئله و مهارت‌های زندگی آشـنا شوند. جای خالی این آموزش‌ها در نظام تربیتی بسیار بزرگ است.

● برخی از افرادی که به خودسـوزی و اعمال خشونت و آزار به خود رو می‌آورند، با برخی مشـکلات روحی و اختلال‌های شخصیتی دست و پنجه نرم می‌کنند که به اسـیب‌شناسی و بررسی دقیق نیاز دارد. مشکلات بعد از خودسوزی در افرادی که به صورت سنتی سوختن خودشان را می‌سوزانند و درگیر آسیب‌های جدی پس از سـوختگی می‌شوند، با مشکلات دسته دیگر تفاوت دارد. بسیاری از این قربانیان پس از سوختگی، منحوس تلقی شده و ارتباطات آنها دسـتخوش چالش‌های فراوانی می‌شود.

● آسـیب‌های فردی افرادی که درگیر سـوختگی می‌شوند، موضوع مهم دیگری اسـت. حسی که قربانیان پس از وقوع حادثه به خود دارند، می‌تواند دیدگاه فرد را نسبت به خودش یا آسیب همراه کند. فرد سوخته عـزت نفس لازم را ندارد. عزت نفس پایین، کارایی و خاسـتگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهـد. آنها تجربه اضطراب و به دنبال آن افـسردگی می‌شوند و مسئله مهم دیگر اینکه در این مواقع خانواده نیز از شرایط آنها خسته شده و ناخودآگاه فرد قربانی را طرد می‌کنند.

● بیمـاران سـوختگی به دنبال آسـیب‌دیدن از سـوی خانواده، در اجتماع نیز با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. نگاه‌های متعجب و خیره افراد در جامعه به ظاهر سـوخته آنهـا می‌تواند بیماران را آزرده‌خاطر و معذب کند؛ در نتیجه آنها هم در معرض نگاه‌های پرسـنگر مردم ظاهر نمی‌شوند و خانه‌نشین می‌مانند.

● به رسـیدت شـناختن تفاوت‌های افراد در جامعه ایران از مهم‌ترین نیازهاسـت. برای این مهم باید کار فرهنگی و آموزشی دقیقی انجام شود تـا بیماران جامعه را بپذیرنـد و به آنها احترام بگذارد. متاسفانه جامعه ایـران تفاوت‌هـا را برنمی‌تابد و این باعث می‌شـود نگاه مـا به افراد در قالب یک نگاه اسـتاندارد باشد؛ یعنی فکر کنیم همه افراد باید میزانی از مرغوبیت را داشـته باشـند. درحالی‌که هرکدام از ما ممکن اسـت قربانی حادثه جبری و از پیش تعیین‌نشده‌ای شویم.

«شرق» از مشکلات بیماران سوختگی روایت می‌کند

رنج بسیار بیماران سوخته

سمیه جاهدعطائیان

دیگر سـن‌وسـال علی به وقت مدرسه‌رفتن رسـیده بود. چند کودک از اهالی روستا، دور هم جمع می‌شوند تا بازی کنند. آن روز یعنی روزی که حادثه‌ای تلخ رخ می‌دهد. هیچ بزرگ‌تری در منزل‌شـان نبود. منقل آتشی با زغال‌های کداخته درست وسط اتاق روشن بود. سروصدای بازی دختر و پسرها از هیجان بلند شده بود. علی می‌خواست مثل دخترچه‌ها، روسری سر کند. گوشه روسری به زغالی در منقل برخورد می‌کند. آتش می‌گیرد و علی که از ترس دسـتپاچه شـده بود، داخل منقل شـعله‌ور می‌افتد. تا زمانی که کمک برسـد و کودک را از آتش رها کنند، سوختگی شـدیدتر می‌شود. رد جای سوختگی روی صورت «علی خرابی» نمایان است؛ او حالا ۳۲ سال دارد و حوادث دردناک آن روزها چندان در خاطرش نمانده. او از روایت‌های حمسـایه و نزدیکان درباره آن حادثه به خبرنگار «شرق» می‌گوید: «در آن حادثه کل صورت، نواحی زیادی از شـکم، جمع دسـت، ران‌ها و چون روسـری به سـر کرده بودم، درصد زیادی از صورتم در آتش سوخت. بعد از حادثه من را از همدان به بیمارسـتان کرمانشاه منتقل می‌کنند. گفتند آنجا ۴۰ روز بسـتری بودم و چون دسترسـی ما از روستا به شهر سخت بود، کار درمانم را ادامه ندادند. ۱۳ سـالم بود که پزشـکی در بیمارسـتان تهران من را ویزیت کرد و گفت باید از نظر سن‌وسـال بالاتر باشـم و زمانی که ۱۸ سـاله شدم، می‌تواند من را جراحی کند. این سـال‌ها مشـغول درس و مدرسـه و بعد دانشگاه بودم و در ۲۵ سـالگی دوباره برای انجام جراحی تقاضا دادم. دکتـر «فاطمی»، مدیرعامل انجمـن قفقوس، من را جراحـی کردند و بعد از طرف پزشـک دیگری در تهران جراحی شدم. به خاطر داشتن گوشت‌های اضافی و چسبندگی‌های عمیق، تجربه زیادی از جراحی در ناحیه گوش، لب‌ها و... داشتم. دو بار تیشو برایم گذاشتند که به خاطر کیفیت نامناسـبی که داشته، پاره شدند. حتی یکی از پزشکان می‌گفت که در یک جراحی، تیشـوهای نامرغوبی که زیر پوست تعبیه می‌شوند، پاره شده اسـت اما وضعیت من به گونه‌ای بود که تیشـو باعث پارهشـدن پوست شد... عمر بیماران به خاطر این تیشـوهای بی‌کیفیت تلف شـده است. پوستی که پاره می‌شود تا پنج، شـش ماه امکان تعبیه تیشوی مجدد ندارد و با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود...».

بیماران سوختگی، حامی ندارند

او به هزینه‌های بالا و متغیر عمل‌های جراحی اشـاره کرده و ادامه می‌دهد: «با گذشت این‌همه سال به پیدا ویژه با یاسمان مخصوص سوختگی نیاز ندارم. پیادها برای افرادی اسـت که به‌تازگی درگیر سـوختگی شدند. نیاز امثال من خاطر سوختگی‌های قدیمی، انجام عمل‌های ترمیمی و جراحی‌های زیبایی مثل تعبیه تیشـو یا عمل‌های دیگری برای اصلاح بینی، نواحی اطراف دهان، ابروها، گوش‌ها و... اسـت. تحرک پوسـت به دلیل وجود چسبندگی در نواحی سوختگی بسـیار دشوار اسـت و ظاهر پوسـت به دلیل چسـبندگی در نواحی گردن، دسـت، لب و... موجب خجالت و انزوای بیماران سـوختگی شـده است؛ به‌همین‌دلیل بیمـاران به جراحی نیاز دارند. چند سـاله پیش برای اصلاح ناحیه اطراف دهان و چانه به تشخیص پزشک، جریمه تیزرنگ کردند که هزینه آن هم باید به صورت آزاد پرداخت می‌شـد. برخی نهادهای مردمی من را حمایت کردند اما از سوی دولت حمایتی انجام نمی‌شود».

دوندگی برای درمان بی‌فایده!

«هزینه جراحی‌هایی که برای پیوند پوسـت انجام می‌شـود و قیمت تیشوها بسـیار بالاسـت. هر تیشـو چندین میلیون تومان هزینه دارد. هزینه تهیه تیشو و ماده‌ای که هر هفته باید به تیشو تزریق شود، بسیار زیاد است. عمل‌های جراحی برای پیوند پوسـت هم متغیر اسـت و قیمت مشخص و واحدی ندارند. عمل‌های ترمیمی نیز که به نسبت سـبک‌تر هستند، هزینه‌های کمتری دارند اما مدت‌زمان آن بسیار طولانی اسـت و باید در چندین نوبت انجام شوند».

ایـن مشـکلات از گفته‌های «خرابـی»، بیمار سـوختگی، عیان می‌شـود: «ابتدا تصور می‌کردم که کار جراحی‌ام نهایت دو سـال طول بکشـد و برای آن برنامه‌ریزی کـرده بودم که بعد از فارغ‌التحصیلی و رفتن به سـربازی در نهایت جراحی می‌شـوم. اما الان بیش از پنج سال است که جراحی می‌شوم. ما بیماران امید چندانی نداریم چون هر بار ناامیدتر از قبل کارهای درمانی را دنبال می‌کنیم. بارها از زبان پرسـتاران در بیمارسـتان‌ها این‌طور شـنیدم: «بعد از این‌همه سال رفت‌وآمد به بیمارستان به ما می‌گفتند که بروید زندگی‌تان را بکنید. چرا این‌همه سال خودتان را اسیر درمان می‌کنید؟»».

نگاه‌های خیره مردم به بیماران سوختگی

«علی خرابی»، بیمار سوختگی که سال‌های جوانی‌اش را پشت سر می‌گذارد، از نگاه‌های خیره و پرسـنگرانه مردم می‌گوید: «زمانی که در شهرستان و روستا دوران ابتدایی و راهنمایی را سپری کردم، نگاه یا اشاره خاصی از جمع نمی‌دیدم و کسـی به صورت مستقیم اشـاره نمی‌کرد که صورتم سـوخته است. اما برای درس‌خواندن در یکی از مدارس شـهر چالش‌هایی را تجربه کـردم. فراموش نمی‌کنم که یک روز تمام بچه‌های مدرسه دور من جمع شدند و من را با انگشت نشـان می‌دادند و «هُوه» می‌کردند. آن زمان آن‌قدر ترسـیدم که سرم گیج رفت و همان‌جا نشسـتم و گریه کردم. یا سـال ۹۷ زمانی که فارغ‌التحصیل شدم، برای اینکه بتوانم سـر کار بروم، پولی دریابورم و هزینه جراحی‌ام را تأمین کنم، دربه‌در دنبال شـغل بودم. یک بار تمام مسیر شهرک صنعتی استهارد-جاده مخصوص را جسـت‌وجو کردم اما تا من را می‌دیدند، طفـره می‌رفتند و من را رد می‌کردند. حتی آشـنا و رابطه‌ای هم داشـتم که من را برای کاری معرفی کرد اما وقتی من را دید، پیام داد و تأکید کرد که به آقای فلانی نگو که من تو را معرفی کردم»...».

مشکلات روزافزون بیماران سوختگی با نداشتن شغل

او می‌افزاید: «در همین گیرودار که جویای شـغل و کسـب درآمد برای انجام عمل جراحی بودم، یک نیرو از شـرکت‌های معتبر در کرج قول داد تا من را برای کاری معرفی کند، برای یک ماه، هر هفته مسـیری طولانی را به امید یافتن کار و استخدام می‌رفتم و هر بار من را به بهانه‌ای رد می‌کرد. یک بار به نوع پوشـش که بسیار رسـمی و سـاده بود، ایراد گرفت. یک بار به خاطر لاغرءودنم می‌گفت احتمالا اعتیاد داری... نیروی حراسـت در شـرکت دیگری من را صدا زد و گفت که تا صورتم را جراحی نکنم، به من اینجا شغلی نمی‌دهند... خلاصه به خاطر صورتم و عمق سـوختگی‌ها، نتوانستم کار پیدا کنم. بعد از ناامیدشدن از اشتغال تصمیم گرفتم که دنبال جراحی بروم. دکتر هر ماه کار تزریق روی پوست را انجام می‌داد و تا پوسـت آمادگی لازم را داشـت، برای برداشـتن گوشت اضافی اقدام می‌کرد. هر سـه ماه یک بار هم جراحی داشـتم و درکرج رخم، بخیه و پانسـمان بودم. در این پروسـه هم ظاهرم آن‌قدر دلخراش بود که نه می‌توانستم دنبال کار بروم و نه توان کار داشـتم. ضمن اینکه با همین وضعیت هم راضی نمی‌شـدند که هر دو ماه یک بار مرخصی بگیرم و سراغ درمان بروم».

روایت دختری که از ترس کتک مرد قربانی آتش شد

روایـت بیمار سـوختگی دیگری به نام «مریم» که از ۱۰ سـالگی قربانی آتش می‌شـود نیز به عمق مشکلات بیماران سوختگی اشـاره می‌کند. او به خبرنگار «شـرق» می‌گوید: «یک روز برادرم به ما خواهرها ایراد گرفت که چرا چاه گرفته جاهم را باز نمی‌کنیم. به ما دستور داد که چاه را با کیسول گاز باز کنیم و تا عصر اگر باز نشود، وقتی به خانه برگردد ما را کتک می‌زند. ما خواهرها هم از تهدیدش ترسـیده بودیم و رفتیم که شلنگ کیسـول را وصل کنیم. یک ساعت گذشـت که آتش‌سوزی شـروع شد. همه با چهار خواهر در آتش سوختیم. خواهرهایم فرار کردند اما من همان‌جا از ترس افتادم و بیهوش شـدم. سـوختگی من که آخرین نفر نجات پیدا کردم، شـدیدتر بود و ۲۰ درصد درگیر سوختگی شد. بعد از این حادثه دو ماه در بیمارستان بستری شدم. اما بسیاری از درمان‌ها بی‌فایده بود».

هزینه درمان سوختگی با تعرفه‌های گران خدمات زیبایی

او نیمه‌تمـام راهگـردن خدمات درمانی را ناشـی از عدم تأمیـن هزینه‌های بالا عنوان می‌کند و می‌افزاید: «خدا را شـکر خواهرهایم آسـیب جدی ندیدند و مشکلات‌شان اگرچه کم نبود اما درمان شدند. دسـت، یا صورتم درگیر سوختگی شد. مشـکل جدی من رد سوختگی روی صورت است. روی صورتم گوشت‌های اضافی آورده است. به خاطر مشـکلات مالی نتوانستم در بیمارستان خصوصی بسـتری شـوم. با خودم فکر می‌کنم اگر تـوان مالی وجود داشـت، حتما بهتر می‌شـدم. هنوز در حال درمان هسـتم. ولی هر بار درمان‌ها ناتمام و نیمه‌کاره رها می‌شود. هزینه‌های درمان بسیار زیاد اسـت؛ چون تمام اقدامات درمانی مدنظر پزشـکان برای من، اقدامات زیبایی محسوب می‌شود که بیمه هم آنها را تحمل نداره. درحالی‌که سوختگی به‌عنوان یک حادثه برای مرخ رخ داده اسـت و تصمیم من از تزریق یا لیزردرمانی زیباشدن نیسـت. حتی توقع ندارم که صدردصد خوب بشوم و خیلی خوب می‌دانم که در ایران هم امکان درمان نیسـت. اما امید زیادی دارم شاید حدود ۶۰-۷۰ درصد از سطح سوختگی برطرف شود».

کنجکاوی آزاردهنده مردم از همه جا بی‌خبر

او به نگاه‌های خیره و پرسـنگر همیشگی مردم اشـاره می‌کند: «دیگر برایم سخت است. هر کجا که می‌روم باید درباره این اتفاق و علت آن صحبت کنم. اگر هم سؤالی نپرسند، خیلی نگاه می‌کنند، پچ‌پچ می‌کنند یا با دست نشانم می‌دهند. می‌پرسـند چرا درمان نمی‌کنی؟ دیگر نمی‌دانند که مشـکلات مالی وجود دارد. هزینه‌های درمان خیلی زیاد اسـت. هزینه تزریق‌ها بسـیار بالاست. دستگاه‌های جدیـدی کـه برای لیزردرمانـی آمده، خیلی گران هسـتند و فقـط عده خاصی می‌توانند برای لیزرهای دوره‌ای بروند. هزینه بمدهای مناسـب روشـن‌کننده و خارجی هم بسـیار بالاست و این مدت هم قیمت‌هایش بیشتر شده و دیگر اصلا نمی‌توانم سراغ‌شان بروم. یک بار هم برای گرفتن یک‌سری خدمات به انجمن قفقـوس در تهران که از بیماران سـوختگی حمایت می‌کند، در اینسـتاگرام پیام دادم، اما هیچ پاسخی دریافت نکردم».

ناکامی بعد از جراحی

ایـن بیمار سـوختگی از درمان‌های بی‌فایده و هزینه‌هـای بالای آن می‌گوید: «هر بار برای برجسـتگی و گوشـت اضافه در گوشـه لب‌هایم تـراش می‌دهند، پیوند گوشت و پوسـت می‌شـوم و تزریق می‌کنند، اما نتیجه‌ای نمی‌گیرم؛ حتی در یکی از بیمارسـتان‌های تهران پیش یکی از دکترهای بسیار خوب هم جراحی شـدم. دشـواری و دوندگی‌های زیادی هم برای گرفتن نوبت جراحی و ویزیت از دکتر داشـتم، اما متاسفانه جراحی گوشـه لب نه‌تنها نتیجه مثبتی نداشت بلکه برجستگی، اسـکارها و جای سوختگی را دوبرابر کرد. همان ابتدا بعد از جراحی هـم هیچ توضیحی ندادند و حتی اعلام کرده بودند هیچ ضمانتی نمی‌دهند. در شـهر خودمان یعنی زنجان نیز هیچ امکاناتی برای درمان و جراحی وجود ندارد. اگر هم باشـد، اعتماد عمومی بیماران به آنها بسیار کم است؛ به‌خصوص که من را یکسی از بهترین دکترها در بهترین بیمارسـتان جراحی کرد و نتیجه‌ای نگرفتم. حالا نمی‌توانم به پزشکان دیگر اعتماد کنم».

این بیمار سـوختگی از نیاز به حمایت‌های مالی بـرای درمان مؤثر می‌گوید: «من مشـکلات مالـی فراوانی دارم. مسـاجرم، تنها زندگی می‌کنم و از کمک هیچ‌کس بهره‌مند نیسـتم. اگر از نظر مالی توانش را داشتم، از بمدهای مناسب وارداتی استفاده می‌کردم یا باز هم سراغ پزشکان بیمارسـتان رازی تهران می‌رفتم شـاید درمانی وجود داشته باشد. کار لیزردرمانی پوستم به خاطر مشکلات مالی نیمـه‌کاره ماند و هزینه‌های بـالای اجاره‌خانه اجازه نمی‌هـد بتوانم پولی برای درمان پوسـتم ذخیره کنم. هیچ‌کدام از نهادهای دولتی و غیردولتی برای درمان بیماران سوختگی خدماتی ندارند. گاهی از شدت تنهایی و شرم از ظاهرم، افسرده می‌شـوم و شـرایط روحی بدی را تجربه می‌کنم. اعتماد‌به‌نفسم به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته اسـت. از من می‌پرسند چرا درمان نمی‌کنی؟ تمام بدنت سوخت؟ چرا درمان نمی‌کنی؟ مگر جراحی پلاسـتیک لازم نداشـتی؟ شکم و سـینه‌هایت هم سـوخته؟ و سؤالات تمام‌نشدنی دیگر. خسته شـدم از تمام سؤال‌ها و نگاه‌های دیگران. اگر امکان جراحی برایم باشد، یک لحظه هم صبر نمی‌کنم».

تنگنا از وسعت چسبندگی در محل سوختگی

بیمار سـوختگی دیگری با نام مسـتعار «م» که حالا دوران جوانی را سـپری کرده، از روز حادثه و حوادثه تلخ آتش‌سـوزی می‌گوید کـه چالش‌های فراوانی را با خودش به همراه آورد: «۱۵ سـاله بودم که روزی می‌خواسـتم داخل چراغ نفتـی را از نفت پر کنم. یارها این کار را انجام داده بودم و تصور نمی‌کردم نفتی پر بشـود. یک‌دفعه مشـعل روشن شد و کل صورتم در آتش سوخت. بعد از حادثه دو ماه در بیمارستان بستری شدم. اما بسیاری از درمان‌ها بی‌فایده بود».

هیئت‌مدیره انجمن «ققنوس» از کمبودهای درمانی برای بیماران سوخته انتقاد می‌کند

دارو و درمان نایاب و گران بیماران سوختگی

سـمیه جاهدعطائیان: بیماران سـوخته در تهران، انجمنی با نام «ققنوس» دارند که پس از تاسیس از سال ۱۳۹۶ برای حمایت از بیماران سوخته، اقداماتی انجـام می‌دهند... این انجمن بیش از هـزار مددجو دارد تا از خدمات مختلف به صورت رایگان بهره‌مند شوند. ویزیت جراحی پلاستیک، خدمات روان‌شناسی و... برخـی از اقدامـات این انجمن اسـت. با دکتر محمدجـواد فاطمی، رئیس هیئت‌مدیره انجمن قفقوس، فوق تخصص جراحی پلاسـتیک و ترمیم، در زمینه مسـائل و مشـکلات روزافزون بیماران سوختگی در کشـور گفت‌وگویی انجام دادیم...

به بیشترین آسـیب و چالش بعد از سوختگی اشاره کنید. می‌توان مشکلات بیماران سوخته را با مشکلات افراد دارای معلولیت برابر دانست؟

بله، بدون‌شـک. اعتقاد داریم که مریض سـوختگی با چهـار نوع معلولیت یا ناتوانی مواجه اسـت. مریض وقتی می‌سـوزد، اولا جسـمش صدمه می‌بیند و قسـمت‌های مختلف بدنش دچـار تحلیل و خارش شدید دارد. دارد. عملکرد قسـمت‌های مختلف بدنش دچار اختلال و اشکال می‌شود که همه اینها باعث می‌شـود فرد حتی از نظر جسمی ناتوان شود و خدا نکند که صورت و دست‌ها که از قسـمت‌های مهم بدن هسـتند، هم سوخته باشـد. دومین معلولیتی که بیماران سـوختگی را درگیـر می‌کند، معلولیت‌های روانی اسـت. بیماران بعد از سـانحه اسـترس زیادی را تحمل می‌کنند. درگیر شـوک شـده و از نظر روانی دچار افسـردگی پس از حادثه می‌شوند. مشـکلات فردی، اجتماعی، زناشویی، خودکشـی و... در میان بیماران که درگیر سـوختگی هسـتند، بیشتر از جامعه نرمال اسـت. بیماران از نظر اجتماعی هم دچار ناتوانی و مشکلاتی می‌شوند. در ازدواج، خانواده، در جامعه و مهیمانی‌رفتن مشکل دارند... اینکه بخواهند جایی را هم ببینند، مثلا برای رفتن به موزه و... با مشکل مواجه می‌شوند. افرادی که درگیر سوختگی‌اند، می‌ترسند که وقتی دیگران آنها را می‌بینند، زل بزنند و سؤال بپرسند که چه اتفاقی برایت افتاده...

پس می‌توان گفت که تمام این مشـکلات، شـرایط مالی و اقتصادی افراد سوخته را هم در بر می‌گیرد؟

ناتوانی مالی در تأمین هزینه‌های‌شـان باعث می‌شـود کـه از نظر اقتصادی بسـیار در محدودیت باشند. پس تا اینجا می‌توان گفت که این افراد با چهار نوع معلولیت و ناتوانی دسـت‌وپنجه نرم می‌کنند که زندگی‌شـان را به‌شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. انجمن قفقوس در حد توان، سـعی کرده تا در هرکدام از این محدودیت‌ها، مداخله و در صورت توان حمایت کند. تا وضعیت‌شان تغییر کند.

آماری از میزان سوختگی‌های سالانه در ایران داریم؟

می‌دانید که متاسـفانه در ایران آمار و ارقام درست و دقیقی وجود ندارد و این بسـیار در محدودیت باشند. پس تا اینجا می‌توان گفت که این افراد با چهار نوع معلولیت و ناتوانی دسـت‌وپنجه نرم می‌کنند که زندگی‌شـان را به‌شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد. انجمن قفقوس در حد توان، سـعی کرده تا در هرکدام از این محدودیت‌ها، مداخله و در صورت توان حمایت کند. تا وضعیت‌شان تغییر کند.

آماری از میزان سوختگی‌های سالانه در ایران داریم؟

می‌دانید که متاسـفانه در ایران آمار و ارقام درست و دقیقی وجود ندارد و این بسـیار در محدودیت باشند. اما با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم. حتی شرایط ما در کشورهایی که از نظر اجتماعی و اقتصادی به ما شباهت‌هایی دارند، نیز بدتر اسـت. بیماران سوختگی بعد از ترخیص از بیمارسـتان زندگی‌شان را به خاطر حادثه آتش‌سوزی از دست داده و یا به دلیل حادثه‌ای که برایشان رخ داده، ضربه مالی زیادی خورده‌اند. شغلشان را از دست داده و خانواده را هم به شدت ضربه‌ای دیدند که درمان‌های ما در حوزه سوختگی‌ها را نبوده و ۲۰ سـال هم از چهار فاصله داریم. مردم ما مرکزمویز بسیار بالاتر از حد نرمالی در زمینه سـوختگی دارند. اصلا با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم. حتی شرایط ما در کشورهایی که از نظر اجتماعی و اقتصادی به ما شباهت‌هایی دارند، نیز بدتر اسـت. بیماران سوختگی بعد از ترخیص از بیمارسـتان زندگی‌شان را به خاطر حادثه آتش‌سوزی از دست داده و یا به دلیل حادثه‌ای که برایشان رخ داده، ضربه مالی زیادی خورده‌اند. شغلشان را از دست داده و خانواده را هم به شدت ضربه‌ای دیدند که درمان‌های ما در حوزه سوختگی‌ها نبوده و ۲۰ سـال هم از چهار فاصله داریم. مردم ما مرکزمویز بسیار بالاتر از حد نرمالی در زمینه سـوختگی دارند. اصلا با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم.

وضعیت درمانی ما در زمینه سوختگی‌های آن را نامناسب هم ارزیابی می‌کنید. در مقایسه با دیگر کشورها چگونه است؟ اصلا قابل مقایسه است؟

بـه صـورت قاطع می‌گویم که درمان‌های ما در حوزه سـوختگی استانداردِ نبوده و ۲۰ سـال هم از چهار فاصله داریم. مردم ما مرکزمویز بسیار بالاتر از حد نرمالی در زمینه سـوختگی دارند. اصلا با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم.

آماری از میزان سوختگی‌های سالانه در ایران داریم؟

می‌دانید که متاسـفانه در ایران آمار و ارقام درست و دقیقی وجود ندارد و این بسـیار در محدودیت باشند. اما با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم.

آمار و میانگینی از میزان خودسوزی در ایران هم موجود نیست؟

حتی آمارهای خودسـوزی دقیقی هم موجود نیست؛ به‌این‌دلیل که بیمه‌ها تا مدت‌ها، خودسـوزی را تحت پوشـش قرار نمی‌دادند. به‌همین‌دلیل افرادی که درگیر سـوختگی بودند یا پدر و مادرهای این افراد، نمی‌گفتند که فرزندشـان خودسـوزی کـرده و آن را تنها یـک حادثـه غیرعمد گـزارش می‌کردند. پس به‌همین‌دلیل آمارها نادرسـت می‌شـد و آمار دقیقی نداریم. در ایران بسیاری از خودسـوزی‌ها به مرگ ختم می‌شود. خودسـوزی نوعی انتقام از اجتماع است؛ یعنی فرد تصمیم دارد خودش را بکشد و از طرف دیگر می‌خواهد به جامعه این پیام را برساند که شما عامل مرگ من بودید. شما به من سخت‌گیری کردید و... .

بگردیم به موضوع معیشت سخت و فقر اقتصادی که شما وضعیت آن را در میان بیماران و افراد درگیر سوختگی در شرایط دشواری اعلام کردید... . دولت و نظام بهداشـت و درمان در حوزه درمان این بیماران اقدام قابل اشاره‌ای داشته است؟

اجـازه بدهید صریح بگویـم؛ هیچ بیمارسـتان خصوصـی در ایران بخش سـوختگی ندارد. تمـام بیماری‌ها بخـش جداگانه و تخصصـی دارند، به جز سـوختگی. چرا؟ چون بیماران سـوختگی عموما بیمارانی هسـتند که سـطح اقتصـادی پایینی دارند. کـدام بیمار بمدار می‌خواهد در بخـش خصوصی بخواند و درمان شـود؟ دانشگاه‌ها تمایلی به داشتن بخش سـوختگی ندارند. یک تخت سوختگی هم در بیمارستان‌های تامین اجتماعی وجود ندارد؛ یعنی اگر کارگران مشـغول در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها درگیر سـوختگی در حین کار شوند و آسـیب ببینند، از آنان هیچ حمایتی نمی‌شود. روی‌همرفته هیچ کسـی در ایران زیر بار سوختگی نمی‌رود. چون صورت‌مسئله سوختگی در ایران کاملا باک شده است. یک عده می‌سـوزند، بی‌صدا هستند، یک عده می‌بیند یا معلول می‌شود. در خانه‌های‌شان مخفی و ماندگار می‌شـوند. از خانه بیرون نمی‌آیند تا قضاوت نشوند؛ در نتیجه هیچ‌کس آنها را نمی‌شناسد و با مشکلات‌شان بیگانه هستند.

وضعیت درمانی ما در زمینه سوختگی‌های آن را نامناسب هم ارزیابی می‌کنید. در مقایسه با دیگر کشورها چگونه است؟ اصلا قابل مقایسه است؟

بـه صـورت قاطع می‌گویم که درمان‌های ما در حـوزه سـوختگی استانداردِ نبوده و ۲۰ سـال هم از چهار فاصله داریم. مردم ما مرکزمویز بسیار بالاتر از حد نرمالی در زمینه سـوختگی دارند. اصلا با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم.

آماری از میزان سوختگی‌های سالانه در ایران داریم؟

می‌دانید که متاسـفانه در ایران آمار و ارقام درست و دقیقی وجود ندارد و این بسـیار در محدودیت باشند. اما با کمک‌های دیگر قابل مشاهده نیستیم.

**آمار